روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
سه‌شنبه | ۲۶ اسفند ۱۳۹۹ | ۲ شعبان ۱۴۴۲ | ۱۶ مارس ۲۰۲۱ | سال سیزدهم | شماره ۳۱۷۱ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۲ سال و ۱۴۲ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.13 | NO.3171 | TUE.MAR.16, 2021 | ISSN:2008-2886

انتقاد قالیباف از دولت به‌خاطر ناتوانی در تنظیم بازار اقلام اساسی

صف مرغ و ضعف مدیریت

احضار وزرای جهاد کشاورزی و صمت به دادسرای دیوان محاسبات

صفحه ۳

وقتی وزارت ورزش تقصیرها را نمی‌پذیرد و همه را گردن تحریم‌ها می‌اندازد

فوتبال در چاه بی‌تدبیری

صفحه ۶

خط تولید واکسن ایرانی «کووایران برکت» با ظرفیت ۳ میلیون دوز در ماه افتتاح شد

فاز دوم و سوم تزریق واکسن دیروز آغاز شد

خرداد ۱۴۰۰ همه علیه ویروس

رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره):
واکسیناسیون عمومی خرداد ۱۴۰۰ آغاز می‌شود

صفحه ۴

تیترهای امروز

گزارش اختصاصی «وطن‌امروز» از توصیه‌های بنیاد دست‌راستی دفاع از دموکراسی‌ها به دولت بایدن و میزان تحقق آن

فکر ترامپ اقدام بایدن

صفحه ۲

یمنی‌ها دیروز به ۳ کیلومتری شمال مأرب و ۸ کیلومتری مرکز شهر رسیدند

سایه انصارالله بر مأرب

صفحه ۷

رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی دریایی سپاه پاسداران

گام پنجم اقتدار دریایی

صفحه ۲

«وطن‌امروز» تحولات بازارهای مختلف کشور در سال جاری را بررسی کرد

رنج‌نامه اقتصاد ۹۹

■ از سقوط بورس تا رکوردشکنی تاریخی دلار

صفحه ۵

ژئوپلیتیک جنگ؛ راهبرد غرب در جنوب غرب آسیا

نگاه

محمدرضا جوفار*: کشورهای جنوب غرب آسیا به طور کلی وارثان تجزیه ۲ امپراتوری ایران و عثمانی هستند که نقش استعمار روس، انگلیس و فرانسه در خلق کشورهای عربی منطقه و تحمیل رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام انکارناپذیر است. امروز نیز اهمیت این منطقه بر کسی پوشیده نیست و علت حضور نیروهای نظامی کشورهای خارج از منطقه یا پایگاه‌های نظامی متعدد در منطقه، می‌تواند همین امر باشد. غرب آسیا به لحاظ اهمیتی که دارد از دیرباز همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. موقعیت استراتژیک، اهمیت اقتصادی به علت وجود ذخایر عظیم نفت و اورانیوم و استعداد این منطقه برای خرید کالاهای مصرفی، این منطقه را به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده است. از این جهت این منطقه بشدت تحت تاثیر رفتار قدرت‌های بزرگ و سیاست‌های بین‌المللی قرار داشته است. مداخله قدرت‌های بزرگ در حوزه ژئوپلیتیک غرب آسیا، یکی از اصلی‌ترین دلایل بحران در این حوزه جغرافیایی است زیرا غرب آسیا در مرکز ثقل سیاسی و اقتصادی جهان واقع شده و محل تلاقی و به هم رسیدن آسیا، اروپا و آفریقا و به عبارت دیگر نقطه کانونی سیاسی-اقتصادی از قدیم است. از دیگر عوامل علاقه‌مندی قدرت‌های جهانی به منطقه، عمق استراتژیک منطقه، اهمیت روزافزون خلیج‌فارس و تنگه استراتژیک هرمز در معادلات امنیت جهانی و محل برخورد منافع بازیگران بزرگ است. مداخله قدرت‌های بزرگ در این منطقه بر کسی پوشیده نیست و علت حضور نیروهای نظامی کشورهای خارج از منطقه یا پایگاه‌های نظامی متعدد در منطقه، می‌تواند همین امر باشد. غرب آسیا به لحاظ اهمیتی که دارد از دیرباز همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. موقعیت استراتژیک، اهمیت اقتصادی به علت وجود ذخایر عظیم نفت و اورانیوم و استعداد این منطقه برای خرید کالاهای مصرفی، این منطقه را به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده است. از این جهت این منطقه بشدت تحت تاثیر رفتار قدرت‌های بزرگ و سیاست‌های بین‌المللی قرار داشته است. مداخله قدرت‌های بزرگ در حوزه ژئوپلیتیک غرب آسیا، یکی از اصلی‌ترین دلایل بحران در این حوزه جغرافیایی است زیرا غرب آسیا در مرکز ثقل سیاسی و اقتصادی جهان واقع شده و محل تلاقی و به هم رسیدن آسیا، اروپا و آفریقا و به عبارت دیگر نقطه کانونی سیاسی-اقتصادی از قدیم است. از دیگر عوامل علاقه‌مندی قدرت‌های جهانی به منطقه، عمق استراتژیک منطقه، اهمیت روزافزون خلیج‌فارس و تنگه استراتژیک هرمز در معادلات امنیت جهانی و محل برخورد منافع بازیگران بزرگ است. مداخله قدرت‌های بزرگ در این منطقه را فراهم کرده که ابزارهای این مداخله که در قالب‌ها و روش‌های مختلف صورت گرفته، تشنج‌آفرین بوده است. در غرب آسیا مداخله اروپایی‌ها بیشترین تاثیر را روی نقشه سیاسی منطقه داشته است. با مداخله اروپاییان عراق، اردن، لبنان، سوریه و رژیم صهیونیستی به وجود آمدند. این دولت‌ها همه به نحوی از شرایط جغرافیایی، دولت‌های نامساعد هستند و با واقعیات جغرافیایی سازگاری ندارند. این مساله موجب شده است غرب آسیا و شمال آفریقا بیش از هر جای دیگر دنیا صحنه منازعات باشد.

بروز انقلاب‌های اجتماعی- سیاسی چند سال گذشته در یمن، مصر، سودان و... و ایجاد بلوکی از دولت‌های تولیدکننده نفت با منافع مشترک اقتصادی می‌تواند به افزایش قیمت نفت و وارد آمدن ضربات اقتصادی مهلک بر پیکره نظام سرمایه‌داری به شمار آید. غرب آسیا و شمال آفریقا در گذشته و حال صحنه دائمی یک مبارزه بین قدرت‌های بین‌المللی بوده، نقش‌آفرینی این قدرت‌ها در کنار نقش عوامل داخلی و منطقه‌ای با توجه به مسائلی مانند اهمیت نفت و انرژی، نفوذ استراتژیک و بازارهای اقتصادی غرب آسیا و شمال آفریقا حائز اهمیت است. این قدرت‌ها به ۲ صورت در منازعات و بحران‌ها نقش‌آفرینی داشته‌اند. نخست، دولت و کشورسازی و ترسیم مرزهای سرزمینی کشورهای منطقه که به دوران استعمار برمی‌گردد و ریشه بسیاری از بحران‌های منطقه بوده است و دوم، دخالت در مسائل منطقه، رقابت با یکدیگر و حمایت از طرفی در منازعات و بحران‌ها که منافع کشورهای غربی را تامین می‌کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضربه‌ای بزرگ بر منافع حیاتی آمریکا و غرب در منطقه وارد آمد و بزرگ‌ترین متحد این کشورها در قامت نیرویی مستقل در مقابل آنها ایستاد. تبدیل این نمونه به الگوی ملت‌های منطقه و نیز روندهای فزاینده آموزشی و ارتباطات در کشورهای اسلامی، موجب تقویت تدریجی این جوامع شد تا جایی که بیم تغییر رژیم‌های خودکامه و شکل‌گیری بلوکی مستقل از کشورهای تولیدکننده نفت، قوت گرفت. آمریکا و غرب برای مقابله با تهدیدات علیه منافع خود در غرب آسیا پس از دهه نخست ۲۰۰۰ طرح‌های گوناگونی را به آزمون گذاشت و...

ادامه در صفحه ۶

طرح انحرافی بازگشت گام به گام به برجام

یادداشت

مهدی گرگانی: از زمان روی کار آمدن جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، دولت دوازدهم به طرق مختلف و به شکلی صریح، خواستار بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای شده است. تصریح بر بازگشت آمریکا به برجام، به خودی خود ایرادی ندارد، چرا که طرف آمریکایی به صورت غیرقانونی از برجام خارج شده و به تعهدات خود هم عمل نکرده، بنابراین طبیعی است نه‌تنها ایران بلکه کل جهان، کاخ سفید را تحت فشار قرار دهد تا به تعهداتش در یک توافق بین‌المللی عمل کند.

اما طی هفته‌های اخیر، رفتارهای دولت حسن روحانی- و متاسفانه شخص وی- حالتی التماس‌گونه به خود گرفته، عزت کشور را خدشه‌دار کرده و اصل حکمت را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران زیر سوال برده است.

این در حالی است که آمریکا ناقض اصلی برجام بوده، از توافق خارج شده و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که خودش به آن رای مثبت داده است را هم زیر پا گذاشته است. از سوی دیگر این دولت آمریکاست که قول داده برای عقب‌نشینی از یاغی‌گری‌های رئیس‌جمهور سابق این کشور علیه هنجارها و قوانین و توافقات بین‌المللی به توافقی مثل برجام برگردد. بنابراین تکلیف مشخص است؛ آمریکا ابتدا باید به برجام بازگردد و تحریم‌ها را لغو کند و سپس ایران همین کار را خواهد کرد و تعهداتش را از سر می‌گیرد.

اما مسأله به همین «معادله خطی A آنگاه B» ختم نمی‌شود. تجربه برجام و هزینه سنگینی که طی چند سال گذشته به کشور وارد شده اکنون این معادله را تغییر داده است. واقعیت این است که طبق برجام ما تعهدات ملموس و قابل راستی‌آزمایی به طرف مقابل دادیم اما در مقابل تعهداتی گرفتیم که نه‌تنها قابل راستی‌آزمایی نبود بلکه حتی در زمان حضور آمریکا در برجام نیز قابل ردیابی نبود و هیچ حساب و کتابی نداشت. اجرای تعهدات ایران در برجام مو به مو از سوی بازرسان آژانس مورد بازرسی و بازبینی روزانه قرار می‌گرفت- که هنوز هم کم‌وبیش ادامه دارد- در مقابل تعلیق تحریم‌ها علیه ایران تعهدی به ظاهر ملموس اما در واقع بسیار پیچیده طراحی شده بود. به عنوان مثال فروش نفت ما آزاد شد اما مشکلات بانکی برای بازگرداندن پول حاصل از فروش نفت تا مدت‌ها پابرجا بود. یا مقرر شده بود پول‌های بلوکه ما در کشورهایی نظیر کره جنوبی، هند، ژاپن و... به صورت قسطی به ایران پرداخت شود. یا اینکه آمریکا و بانک‌های این کشور به روش‌های هوشمندانه در معاملات مالی ایران و شرکت‌های ایرانی اختلال و مانع ایجاد کردند و...

درباره رفع تحریم‌ها این نکته را هم باید اضافه کنیم که در بدو حصول برجام، روحانی صراحتا گفت همه تحریم‌ها به طور کامل لغو شده است، در حالی که در مفاد برجام حرف از تعلیق موقت تحریم‌ها بود نه رفع کامل؛ در عمل نیز همین‌گونه شد.

برای جلوگیری از کلاهی که در مذاکرات برجام سر مذاکره‌کنندگان ایرانی رفت، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اخیرا در یک سخنرانی شروطی را برای بازگشت آمریکا به برجام مطرح کردند و فرمودند: آمریکا و اروپا صرفاً در یک برهه بسیار کوتاه در اول کار، بعضی از تحریم‌ها را موقتاً تعطیل کردند اما بعدا تحریم‌ها را برگرداندند و حتی افزایش هم دادند، بنابراین حق گذاشتن شرط و شروط ندارند (اشاره به شرط آمریکا برای برداشتن گام اول از سوی ایران).

در همین راستا سیاست قطعی، غیرقابل بازگشت و عدول‌ناپذیر جمهوری اسلامی درباره برجام که مورد اتفاق همه مسؤولان کشور است، از سوی حضرت معظم‌له به این شکل اعلام شد: اگر غربی‌ها می‌خواهند ایران به تعهدات برجامی خود برگردد، باید آمریکا تحریم‌ها را در عمل و نه با زبان یا روی کاغذ، کلا لغو کند، آنگاه پس از راستی‌آزمایی صحت لغو تحریم‌ها، ایران به تعهدات برجامی خود باز خواهد گشت.

با اعلام سیاست کلی نظام، برخی در داخل و خارج «طرح انحرافی بازگشت گام‌به‌گام به برجام» را مطرح کردند و برای دور زدن قانون مجلس که منجر به توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی شد، طرح توافق ۳ ماهه ایران و آژانس برای ادامه برخی بازرسی‌ها را اجرا کردند تا فرصت کافی برای انجام طرح فوق وجود داشته باشد.

شبکه پرس‌تی‌وی در این باره نوشت: پیشنهاد بازگشت گام‌به‌گام در حالی به طرف مقابل ارائه شد که پیشنهاددهندگان ایرانی آن از انطباق این پیشنهاد با سیاست‌های نظام اطمینان نداشتند. در هر حال طرح این موضوع از سوی برخی افراد در ایران و رسانه‌ای شدن برخی اظهارات غیردقیق، اروپایی‌ها را به نقش‌آفرینی در این موضوع امیدوار کرد و آنها تلاش کردند پس گرفتن طرح قطعنامه ضدایرانی در نشست اخیر شورای حکام را به عنوان ابراز حسن‌نیت خود برای پیشبرد طرح گام‌به‌گام به ایران بفروشند(!) این در حالی است که پس گرفتن این قطعنامه نتیجه مستقیم تهدید ایران مبنی بر لغو توافق ۳ ماهه با آژانس بود، نه چیز دیگر.

در واقع نقش کشورهای اروپایی، ادامه همان بازی «پلیس خوب- پلیس بد» است که طی سال‌ها مذاکرات، آن را بازی کرده‌اند و همچنان نیز در حال ادامه همان بازی‌اند.

با این وجود دولت دوازدهم همچنان اصرار دارد همان راه را ادامه دهد و بر رویکرد خود پافشاری می‌کند. روحانی هفته گذشته در جلسه هیأت دولت مواضع خود را تکرار کرد و به غربی‌ها گفت: به تعهدات‌تان برگردید و امروز و فردا نکنید و بدانید با بازگشت شما، ما نیز به تمام تعهدات‌مان بازمی‌گردیم. وی گفت: ما برای کل مقابل کل و جزء مقابل جزء تعهدات آماده‌ایم و این شما هستید که باید این راه را انتخاب کنید.

آنقدر که روحانی و ظریف برای بازگشت به برجام عجله دارند، بایدن ندارد! این در حالی است که بایدن به خاطر وعده‌هایی که در انتخابات داده و عمل نکرده، از سوی محافل داخلی و خارجی تحت فشار قرار دارد. حتی رسانه‌های آمریکایی نیز معتقدند واشنگتن در به بن‌بست رسیدن برجام مقصر است و باید جبران مافات کند.

هفته‌نامه «ویک» اخیرا در گزارشی نوشت: آمریکا با خروج یکجانبه از برجام و وارد کردن خسارات اقتصادی از طریق بازگرداندن تحریم‌ها، به ایران «بدهکار» است و باید دِین خود را ادا کند.

و نکته آخر آنکه: هر گاه دولت از موضع ضعف وارد شده، خسارات بیشتری به خود و کشور تحمیل کرده است. در مقابل هر گاه از راه قدرت و اقتدار پیش رفتیم به نتیجه دلخواه دست یافتیم. برای بازگشت آمریکا و اروپا به تعهدات‌شان ذیل برجام، بهترین راه ادامه توقف تعهدات برجامی مطابق با قانون مجلس است؛ در غیر این صورت، آزمودن همان مسیر شکست‌خورده قبلی است.

در شبکه‌های اجتماعی @vatanemrooz